سرمقاله

تنگه هرمز در آستانه تغییر پارادایم

ادامه از صفحه ۱

.. در شـرایطی که رقابت‌های قدرت در سطح منطقه و جهان تشدید شده، اهمیت این گذرگاه نه‌تنها کاهش نیافته بلکه وارد مرحله‌ای جدید از حساسیت و اثرگذاری شده است.

تنگـه هرمز یک گذرگاه حیاتی برای انتقال کالا و حامل‌های انرژی اسـت. برآوردها نشان می‌دهد بخش قابل‌توجهی از نفت خام صادراتی جهان و سهم مهمی از گاز طبیعی مایع (LNG) از این مسیر عبور می‌کند. علاوه بر نفت خام، حجم قابل توجهی از فرآورده‌های نفتی نیز از این مسیر عبور می‌کند که اهمیت آن را دوچندان می‌سازد. کارکرد این تنگه صرفاً محدود به کشورهای تولیدکننده یا مصرف‌کننده انرژی نیست، بلکه بر زنجیره‌های تأمین جهانی، بازارهای مالی و حتی اقتصادهایی که وابستگی مستقیم به واردات انرژی ندارند نیز اثرگذار است.

در ایـن چهارچوب، ادعـای بی‌تأثیر بودن تحولات این گـذرگاه بر برخی اقتصادهای بزرگ، با واقعیت‌های درهم‌تنیده اقتصاد جهانی همخوانی ندارد. تغییرات در وضعیت تنگه هرمز می‌تواند از طریق افزایش قیمت انرژی، رشد هزینه‌های حمل و نقل و بیمه، اختلال در زمان‌بندی تحویل کالا و همچنین شکل‌گیری انتظارات تورمی، پیامدهای گسترده‌ای در سطح بین‌المللی ایجاد کنـد. به بیان دیگر، این تنگه نه‌فقط یک مسـیر فیزیکی، بلکه یک متغیر تعیین‌کننده در معادلات اقتصاد کلان جهانی است.

بررسی تاریخی تحولات مرتبط با تجارت دریایی نشان می‌دهد که بسیاری از مفاهیم پذیرفته‌شده در این حوزه، در بستر رقابت‌های اقتصادی و تجاری شکل گرفته‌اند. مسیرهای دریایی همواره شریان‌های حیاتی اقتصاد جهانی بوده‌اند و کنترل یا دسترسی به آنها نقشی تعیین‌کننده در قدرت اقتصادی کشورها ایفا کرده است. از این منظر، تحولات مرتبط با تردد دریایی را نمی‌توان جدا از زمینه‌های اقتصادی آن تحلیل کرد. پیوند میان جریان تجارت جهانی و کارکرد گذرگاه‌های دریایی، همواره یکی از عوامل شکل‌دهنده به رفتار بازیگران بین‌المللی بوده است. هرگونه تغییر در شرایط این گذرگاه‌ها، مستقیماً بر توازن منافع اقتصادی میان کشورها اثر می‌گذارد.

در شرایطی که برخی کشـورها با محدودیت‌های گسترده در حوزه تجارت و دسترسی به بازارهای بین‌المللی مواجه هستند، از جمله در قروش انرژی، نقل‌وانتقال مالی و خدمات مرتبط با حمل‌ونقل، همزمان بر تداوم وضعیت عادی در گذرگاه‌های راهبردی تأکید می‌شود. این وضعیت، از منظر اقتصادی، نوعی عدم‌توازن در بهره‌مندی از مزایای نظام تجارت جهانی را نشان می‌دهد. این عدم توازن می‌تواند به شکل‌های مختلفی بروز پیدا کنند؛ از افزایش هزینه مبادلات برای برخی بازیگران تا تغییر مسیرهای تجاری و حتی شکل‌گیری ائتلاف‌های جدید اقتصادی. در چنین شرایطی، گذرگاه‌هایی مانند تنگه هرمز به‌جای آنکه صرفاً مسیر عبور باشند، به نقاطی تعیین‌کننده در بازتعریف روابط اقتصادی تبدیل می‌شوند.

به بیان دیگر، نمی‌توان نقش این گذرگاه را صرفاً در قالب یک مسیر فیزیکی بـرای عبـور کالا در نظر گرفت، بلکه بایـد آن را در چهارچوب کلی‌تری از مناسبات اقتصادی و تجاری تحلیل کرد؛ چهارچوبی که در آن، دسترسی به بازار، هزینه‌های مبادله و سطح ریسک، از متغیرهای کلیدی هستند.

تحولات اخیر به‌روشنی نشـان داده است که امنیت در گذرگاه‌های حیاتی دریایی، به ویژه در نقاطی که شریان‌های اصلی انتقال انرژی و تجارت جهانی از آن عبور می‌کنند، دارای پیوندی مسـتقیم و چندلایه با ثبات و پیش‌بینی‌پذیری بازارهای جهانی است. این رابطه صرفاً محدود به بُعد فیزیکی انتقال کالا نیست، بلکه به‌طور عمیق در سازوکارهای روانی و ادراکی بازار نیز ریشه دارد. به گونه‌ای که حتی اختلال‌های محدود، مقطعی و کوتاه‌مدت در تردد کشتی‌ها—خواه ناشی از تنش‌های ژئوپلیتیکی، تهدیدات امنیتی یا اقدامات احتیاطی—می‌تواند به‌سرعت و با ضریبی فزاینده در قالب افزایش قیمت نفت، رشد هزینه‌های بیمه دریایی، بالا رفتن نرخ کرایه حمل‌ونقل و در نهایت تشدید نوسانات در بازارهای مالی بین‌المللی بروز و بازتاب پیدا کند.

در این چهارچوب، رفتار و کنش بازیگران مختلف اعم از کشورهای ساحلی، قدرت‌های منطقـه‌ای و بازیگران فرامنطقه‌ای، نقـش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به وضعیت امنیتی و ادراکی این گذرگاه‌ها ایفا می‌کند. افزایش یا کاهش حضور نظامی، تغییر در الگوهای اسکورت دریایی، برگزاری رزمایش‌ها و حتی انتشار پیام‌ها و سیگنال‌های سیاسی و رسانه‌ای، همگی عواملی هسـتند که می‌توانند سطح «ریسـک ادراک‌شـده» را در ذهن فعالان بازار افزایش یا کاهش دهند. این ریسـک ادراکی گاه مستقل از واقعیت‌های میدانی، خود به‌عنوان محرکی برای واکنش‌های زنجیره‌ای در بازار عمل می‌کند.

در نتیجه، تنگـه هرمز نه تنها به‌عنوان یک گـذرگاه فیزیکی برای انتقال انرژی، بلکه به مثابه یک «متغیر روانی» در معادلات اقتصاد جهانی نیز ایفای نقش می‌کند. متغیری که انتظارات تورمی، تصمیم‌گیری سـرمایه‌گذاران، سیاست‌گذاری دولت‌ها و حتی رفتار مصرف‌کنندگان را تحت تأثیر قرار داده و می‌تواند به‌تنهایی موجی از بی‌ثباتی یا برعکس، آرامش نسبی در بازارهای جهانی ایجاد کند.

از این منظر، اهمیت تنگه هرمز صرفاً به سطح کلان اقتصاد جهانی و معادلات ژئوپلیتیکی محدود نمی‌شـود، بلکه در سطوح خرد و محلی نیز پیامدهای عینی و ملموسی دارد. تأثیرات زیست‌محیطی ناشی از تردد دریایی، به‌ویژه در شرایط بحران، نشان می‌دهد که هرگونه تحلیل جامع از این گذرگاه باید به‌طور همزمان ابعاد اقتصادی، امنیتی و زیست‌محیطی را در نظر بگیرد؛ چرا که پایداری اکوسیسـتم دریایی و ثبات معیشـتی جوامع محلی، بخشی جدایی‌ناپذیر از معادله کلان امنیت و توسعه در این منطقه به شمار می‌آید.

تنگه هرمز را نمی‌توان صرفاً یک گذرگاه جغرافیایی دانست؛ این آبراه، به‌طور فزاینده‌ای به یکی از گره‌های اصلی درهم‌تنیدگی اقتصاد، امنیت و سیاست در سطح جهانی تبدیل شده است. افزایش سطح تنش‌ها در محیط پیرامونی این تنگه، آن را در آستانه نوعی «تغییر پارادایم» قرار داده است؛ تغییری که می‌تواند نحوه نگاه به گذرگاه‌های راهبردی در اقتصاد جهانی را دگرگون کند.

در چنیـن چهارچوبی، هرگونـه تحول در وضعیت این گـذرگاه، می‌تواند پیامدهایی فراتر از منطقه داشته باشد و بر کلیت نظام اقتصادی بین‌الملل اثر بگـذارد. از این رو، رصد دقیق و تحلیل چندبعدی تحولات تنگه هرمز، برای درک روندهای آینده اقتصاد جهانی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

حمید قنبری
Alborz.payam@gmail.com

پیام آشنا گزارش می دهد

پایان ملاحظات؛ همهٔ ضربات قبلی ×دو

اختصاصی پیام آشنا - تحولات اخیر در عرصه تقابل میان جمهوری اسلامی ایران و محور آمریکایی-صهیونیستی، نشانه‌هایی روشن از ورود به مرحله‌ای جدید از موازنه قدرت در غرب آسیا را آشکار ساخته است؛ مرحله‌ای که در آن، ابتکار عمل بیش از هر زمان دیگری در اختیار ایران قرار گرفته و نشانه‌های آشکاری از فرسایش بازدارندگی آمریکا در منطقه قابل مشاهده است.

در این میان، اظهارات سردار سید مجید موسوی فرمانده نیروی هوا فضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سیگنال‌های راهبردی این تحول، حائز اهمیت ویژه است. تأکید وی بر «ورود به مرحله جدید جنگ» با استفاده از پرتابگرهای دو فروندی موشک‌های «فاتح» و «خیبرشکن» و عبارت معنادار «همهٔ ضربات قبلی × دو»، نه‌تنها بیانگر ارتقای توان عملیاتی ایران است، بلکه نشان‌دهنده تغییر در دکترین به‌کارگیری قدرت سخت و افزایش ضریب تخریب و اثربخشی حملات محسوب می‌شود.

ارتقای توان عملیاتی: از نمایش قدرت تا اعمال آن

استفاده از لانچرهای دوپایه و شلیک همزمان موشک‌ها، نشان‌دهنده عبور ایران از مرحله «نمایش قدرت» به «اعمال قدرت ترکیبی و هوشمند» است. این تحول، به‌ویژه در چارچوب عملیات‌های چندلایه شامل موشک‌های بالستیک، کروز و پهپادهای تهاجمی، بیانگر بلوغ یک معماری نظامی پیچیده است که قادر است اهداف متنوعی را در عمق جغرافیایی دشمن مورد اصابت قرار دهد. گستره اهداف اعلام‌شده از مراکز نظامی و صنعتی در سرزمین‌های اشغالی تا زیرساخت‌های مرتبط با منافع آمریکا در منطقه خلیج فارس نشان می‌دهد که ایران نه‌تنها به اشراف اطلاعاتی دست یافته، بلکه توانایی اجرای عملیات دقیق و همزمان در چند جبهه را نیز دارا است. این مسئله، عملاً برتری ایران در جنگ‌های نامتقارن و ترکیبی را تثبیت می‌کند.

تنگه هرمز: اهرم راهبردی ایران در معادلات انرژی

یکی از ابعاد کلیدی این تحولات، تأکید غیرمستقیم بر نقش راهبردی ایران در مدیریت و کنترل تنگه هرمز است؛ شاهراه حیاتی انرژی جهان. هشدار نسبت به هدف قرار دادن مناقع آمریکا و متحدانش در منطقه، به‌ویژه در حوزه نفت و گاز، بیانگر آن است که ایران توانایی اعمال فشار مؤثر بر شریان‌های اقتصادی جهانی را دارد. در شرایطی که بخش قابل توجهی از صادرات انرژی جهان از این گذرگاه عبور می‌کند، برتری عملیاتی ایران در این منطقه می‌تواند معادلات اقتصادی و ژئوپلیتیکی را به‌شدت تحت تأثیر قرار دهد. این مزیت ژئوپلیتیکی، در کنار توان نظامی، به ایران دست برتر در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای داده است.

خویشتنداری راهبردی ایران و پایان ملاحظات

بخش مهمی از پیام اخیر سپاه پاسداران، تأکید بر خویشتنداری پیشین ایران و تغییر در این رویکرد است. تصریح به اینکه «تا امروز به جهت حسن همجواری خویشتنداری زیادی داشته‌ایم» و اینکه «از این پس همه این ملاحظات برداشته شده است»، نشان‌دهنده یک چرخش مهم در سیاست بازدارندگی ایران است.

این موضع‌گیری، حامل دو پیام کلیدی است: نخست، ایران در گذشته با وجود توانایی‌های گسترده، سطح درگیری را مدیریت کرده و از گسترش تنش‌ها جلوگیری کرده است؛ دوم، در صورت تداوم اقدامات خصمانه، این محدودیت‌ها دیگر وجود نخواهد داشت و دامنه پاسخ‌ها می‌تواند به‌مراتب گسترده‌تر و شدیدتر شود. این تغییر، عملاً معادلات محاسباتی طرف مقابل را پیچیده‌تر کرده و ریسک هرگونه اقدام علیه ایران را افزایش می‌دهد.

افول بازدارندگی آمریکا و تحقیر راهبردی در منطقه

حملات هدفمند به مناقع و زیرساخت‌های مرتبط با آمریکا و متحدانش، در کنار تهدید مستقیم ناوهای آمریکایی، نشانه‌ای از کاهش محسوس قدرت بازدارندگی واشنگتن در غرب آسیا است. در شرایطی که آمریکا همواره تلاش کرده حضور نظامی خود را به‌عنوان عامل ثبات معرفی کند، این تحولات نشان می‌دهد که نه‌تنها این حضور بازدارنده نیست، بلکه خود به یکی از عوامل بی‌ثباتی تبدیل شده است.

از سوی دیگر، ناتوانی در جلوگیری از چنین حملاتی و یا پاسخ مؤثر به آن‌ها، نوعی تحقیر راهبردی برای آمریکا در سطح منطقه‌ای محسوب می‌شود؛ مسئله‌ای که می‌تواند بر اعتبار بین‌المللی این کشور نیز تأثیرگذار باشد.

محکومیت حمله به زیرساخت‌ها و مناطق غیرنظامی

در کنار نمایش قدرت نظامی، تأکید ایران بر عدم آغاز حملات علیه اهداف غیرنظامی و اعلام واکنش صرفاً در چارچوب «مقابله به مثل»، نشان‌دهنده تلاش برای حفظ مشروعیت حقوقی و اخلاقی در این تقابل است. این موضع، به‌ویژه در برابر حملات به تأسیسات غیرنظامی و زیرساخت‌های حیاتی، اهمیت دوچندان می‌یابد. حمله به زیرساخت‌های اقتصادی و مناطق مسکونی، نه‌تنها نقض آشکار قواعد بین‌المللی است، بلکه می‌تواند پیامدهای انسانی و اقتصادی گسترده‌ای به همراه داشته باشد. در این چارچوب، تأکید ایران بر پاسخ متقابل، در عین پرهیز از آغاز چنین اقداماتی، نوعی مدیریت هوشمند بحران تلقی می‌شود.

مجموعه تحولات اخیر نشان می‌دهد که ایران با اتکا به توانمندی‌های بومی و راهبردی، توانسته است موازنه قدرت در غرب آسیا را به نفع خود تغییر دهد. ورود به «مرحله جدید جنگ» از منظر عملیاتی و راهبردی، افزایش قدرت تخریب و دقت حملات، تسلط بر گلوگاه‌های حیاتی انرژی و پایان خویشتنداری پیشین، همگی مؤلفه‌هایی هستند که دست برتر ایران را در این تقابل تثبیت می‌کنند.

در مقابل، آمریکا با چالش‌های جدی در حفظ بازدارندگی و مدیریت بحران در منطقه مواجه است؛ وضعیتی که اگر تداوم یابد، می‌تواند به بازتعریف نقش این کشور در معادلات غرب آسیا منجر شود.

معاون سیاسی استانداری البرز خبر داد

شهادت ۱۸ شهروند در حمله به مناطق مسکونی البرز

معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری البرز با محکومیت شدید حملات هوایی شب گذشته به مناطق مسکونی این استان، از شهادت ۱۸ تن از شهروندان خبر داد.

به گزارش پیام آشنا، قدرت‌الله سیف در تشریح جزئیات این جنایت هولناک اظهار داشت: بامداد سه شنبه بار دیگر چهره پلید دشمنان این مرز و بوم نمایان شد و جنگنده‌های رژیم صهیونیستی با حمایت مستقیم آمریکا، در اقدامی بزدلانه منازل مسکونی و سقف سرپناه شهروندان بی‌دفاع ما در استان البرز را هدف قرار دادند.

وی با اعلام آمار جان‌باختگان این حادثه افزود: تا این لحظه، شهادت ۱۸ تن از هم‌وطنان عزیزمان تأیید شده است که در میان پیکرهای گلگون کفن، حضور دو کودک خردسال که در آغوش گرم خانواده‌ایشان هدف کینه دشمن قرار گرفتند، قلب هر انسانی را به درد می‌آورد. همچنین ۲۴ نفر از شهروندان نیز مجروح شده‌اند که بلافاصله به مراکز درمانی منتقل شده و تحت مراقبت هستند.

سیف با اشاره به تداوم حملات کور به مناطق مسکونی، ضمن محکومیت شدید این اقدامات تروریستی تصریح کرد: دشمن که در جبهه‌های نبرد ناتوان مانده، کینه خود را بر سر زنان و کودکان خالی می‌کند. این حملات مستمر به خانه‌های مردم، نشان‌دهنده سقوط اخلاقی و استیصال رژیم غاصب صهیونیستی و حامی ارشد آن، آمریکاست.

معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری البرز در پایان خاطرنشان کرد: نیروهای امدادی و امنیتی به صورت شبانه‌روزی در حال خدمت‌رسانی در مناطق آسیب‌دیده هستند. بی‌تردید این جنایات بدون پاسخ نخواهد ماند و خون پاک این شهدای مظلوم، عزم ملت ایران را در ایستادگی و انتقام سخت استوارتر خواهد کرد.

آگهی مزایده اموال منقول پرونده اجرائی کلاسه ۱۴۰۴۰۰۲۴۴ اداره ثبت اسناد و املاک ساوجبلاغ

بموجب پرونده اجرائی کلاسه فوق به استناد چک شماره ۵۰۴۴۰۹ به مبلغ چهارصد میلیارد ریال عهده بانک تجارت شعبه
مرکزی کازرون کد ۱۸۰۷۴۴۰ علیه آقای محمد قنبری (بدهکار) و به تقاضای آقای علی نظر جبری بستانکار جهت وصول طلب خود موضوع لازم الاجرا فوق و همچنین وصول سایر هزینه های قانونی متعلقه مبادرت بصدور اجرائیه نموده که پس از تشکیل پرونده با عنایت به اینکه مال منقول مورد بازداشت طبق قبض شماره ۰۳۱۰۴۴۶۹۰۰۴۹۴ در پارکینگ قوامین شهرستان ساوجبلاغ شهر هشتگرد حوزه ثبتی این اجرا واقع گردیده است بستانکار تقاضای برگزاری مزایده در خصوص آن را نموده است و طبق محتویات پرونده مورد مزایده ششدانگ یک دستگاه سواری هاچ بک اتوماتیک تیگو ۷ پروای تی مدل ۱۴۰۲ رنگ مشکی متالیک به شماره پلاک انتظامی ۹۷۷ ن ۷۸ ایران ۸۳ واقع در نشانی پارکینگ قوامین شهرستان ساوجبلاغ شهر هشتگرد و برابر نظریه کارشناس رسمی دادگستری در زمان بازدید اطاق بدنه سالم، داشبورد سالم، صندلی و تودوزی سالم، تجهیزات دارد، موتور به نظر سالم، گیربکس سالم، دیفرانسیل سالم، کیفیت لاستیک ها حدود ۷۰ درصد و استهلاک خودرو ۱۰ درصد می باشد. علیهذا با توجه به موارد مطروحه و وضعیت خودرو سواری هاچ بک اتوماتیک تیگو ۷ پروای تی با مشخصات
اعلامی با شرایط موجود تعیین قیمت پایه جهت طرح در مزایده با توجه به شرایط موجود و نوسانات بازار مبلغ ۲۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال معادل دو میلیارد و یکصد میلیون تومان ارزیابی شده که در روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۱/۳۰ از ساعت ۹ صبح الی ۱۲ ظهر در محل پارکینگ قوامین واقع در نشانی استان البرز ساوجبلاغ هشتگرد از طریق مزایده به فروش میرسد و قیمت پایه مزایده از مبلغ
۲۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال معادل دو میلیارد و یکصد میلیون تومان شروع و به بالاترین قیمت
پیشنهادی فروخته می شود. مزایده حضوری است و شرکت در مزایده منوط به پرداخت ۱۰ درصد از مبلغ پایه کارشناسی به حساب سپرده ثبت می باشد و حضور خریدار یا نماینده قانونی او در جلسه مزایده است. برنده مزایده مکلف است ما به التفاوت مبلغ فروش را ظرف مدت ۵ پنج روز از تاریخ مزایده به حساب صندوق ثبت تودیع نماید و در صورتی که ظرف مهلت مقرر مانده فروش را به حساب سپرده واریز نکند مبلغ مذکور قابل استرداد نبوده و به حساب خزانه واریز خواهد شد در این صورت عملیات فروش از درجه اعتبار ساقط و مزایده تجدید می گردد شرکت در مزایده برای عموم آزاد است. کلیه هزینه های قانونی به عهده برنده مزایده است و در صورت وجود مازاد برنده مزایده می تواند وجوه پرداختی بابت هزینه های فوق را از محل مازاد مسترد نماید و نیم عشر و حق مزایده نقداً وصول می گردد. ضمناً چنانچه روز مزایده تعطیل رسمی گردد مزایده روز اداری بعد از تعطیلی در همان ساعت و مکان مقرر برگزار خواهد شد. این آگهی پس از تایید نهایی در سایت آگهی های سازمان ثبت قرار خواهد گرفت و به منزله انتشار آگهی در روزنامه کثیر الانتشار محلی است.
شناسه ۲۱۴۹۲۸۲

بشیر نعیم‌زاده
رئیس اداره ثبت شهرستان ساوجبلاغ